از دو بیتی های پیوسته تا چهار پاره

ترابی، ضیاءالدین

آنچه که امروزه به نام چهار پاره‏ (چارپاره)شناخته می‏شود،عبارت از شعری است موزون و مقفی،متشکل‏ از چند بند،که هر بند آن از چهار مصراع‏ متساوی تشکیل شده است،و تنها دو مصراع از این چهار مصراع(مصراع‏های‏ دوم و چهارم)هم قافیه‏اند.بدین ترتیب‏ چهار پاره قالبی است آزاد،که رعایت‏ اصول قافیه بندی،تنها در درون هر بند الزامی است و بندهای بعدی شعر برای‏ خود قافیه‏های مجزا و مستقلی دارند.

در گذشته نه چندان دور،بین اهل قلم،در نامیدن‏ چهار پاره اختلاف نظر وجود داشت،و گروهی به جای‏ چهار پاره،از آن با نام دوبیتی‏های پیوسته نام می‏بردند.بدیهی‏ است که اطلاق دو بیتی‏های پیوسته بر چهار پاره درست نیست. گرچه دو بیتی‏های پیوسته نیز از نظر متساوی بودن طول‏ مصراع‏ها و چند بندی بودن پیکره شعر،مشابه چهار پاره است. اما از نظر قافیه‏بندی با آن متفاوت است.به عبارت دیگر دو بیتی‏های پیوسته،عبارت از قالبی است که در آن هر بند شعر از یک دو بیتی تشکیل شده است،که از نظر قافیه بندی این دو بیت به صورت چلیپا در هم تنیده‏اند.بدین گونه که در بین‏ دو بیتی‏های پیوسته،دو نوع قافیه بندی می‏توان یافت الف:نوع‏ اول که در آن در هر بند شعر مصراع اول با مصراع چهارم‏ هم قافیه‏اند و دو مصراع دوم و سوم به صورت مثنوی‏ با هم قافیه‏اند.

ب:نوع دوم که در آن در هر بند شعر مصراع اول با مصراع‏ سوم و مصراع دوم با مصراع چهارم هم قافیه‏اند.بدین گونه هر بند از شعر از چهار مصراع مقفی و در هم تنیده تشکیل شده‏ است،که به کلی با ساختار چهار پاره تفاوت دارد.

ناگفته نماند که گروهی از شاعران نیز،با توجه به مقبولیت‏ قالب چهار پاره در بین شاعران،با به عاریت گرفتن قالب‏ چهار پاره-یعنی پیکره‏ای متشکل از چندین بند به هم پیوسته، که هر بند آن را یک دو بیتی یا چهار مصراع تشکیل می‏دهد؛با استفاده از قالب دو بیتی-یا ترانه-سنتی فارسی؛نوعی چهار پاره‏ سرودند؛که بیشتر از نظر پیوستگی موضوعی شبیه چهار پاره یا دو بیتی‏های پیوسته بود؛ولی از نظر فرم و ساختار در حقیقت‏ همان دو بیتی‏های فارسی بود که به دنبال هم و پیوسته نوشته‏ شده و در آن کلیت شعر به دور محور واحدی می‏چرخید. بدیهی است که قافیه بندی این شعر هم با چهار پاره‏ها متفاوت‏ است و هم با دو بیتی‏های پیوسته؛و اصول قافیه بندی حاکم بر هر بند یا پاره آن،همان قافیه بندی دو بیتی‏های سنتی فارسی‏ است،که در آن مصراع‏های اول،دوم و چهارم،هم قافیه‏اند، و معروف‏ترین نمونه آن دو بیتی‏های بابا طاهر همدانی است.

از سوی دیگر گرچه در بین شعرهای نیما یوشیج-بنیانگذار شعر نو-تعداد پنج قطعه شعر در قالب دو بیتی پیوسته وجود دارد؛ولی این قالبی نیست که توسط نیما ابداع شده باشد؛ بلکه قالبی است که پیش از نیما یوشیج توسط دیگران ابداع شده‏ بود.ولی آنچه امروزه به قالب چهار پاره شهرت دارد؛پیش از نیما یوشیج سابقه نداشته است و از ابداعات مشخص‏ نیما یوشیج است و با انتشار این چهار پاره‏های نیما یوشیج است‏ که شاعران جوان به پیروی از نیما به سرودن شعر در آن قالب‏ پرداختند و به تدریج قالب چهار پاره به عنوان قالبی نو در بین‏ شاعران معاصر و پیروان نیما یوشیج رواج یافت.

بدین گونه با توجه به سابقه دو بیتی‏های پیوسته پیش از نیما و نیز وجود پنج قطعه شعر در قالب دو بیتی پیوسته در بین آثار نیما یوشیج،و تقدم آن‏ها بر چهار پاره‏های وی؛لازم است در اینجا به خاطر نزدیکی صوری این دو قالب و نیز آشنایی با سابقه‏ دو بیتی یا چهار پاره سرایی،پیش از ورود به مبحث«چهار پاره‏ و چهار پاره سرایان»نگاه مختصری داشته باشیم به تاریخچه‏ دو بیتی‏های پیوسته و نیز سابقه این قالب در شعر شاعران معاصر و نیز نیما یوشیج.

\*\*\*

همان‏طور که گفته شد،پیش از نیما یوشیج،چند تن از شاعران،با آشنایی با شعرهای اروپایی،تلاش کردند، شعرهای نو آیینی بسرایند؛که برخی چون تقی رفعت و جعفر خامنه‏ای،به خاطر اوضاع نامساعد سیاسی و اجتماعی قربانی‏ زمانه خود شدند،و برخی چون ابو القاسم لاهوتی،به دلیل‏ دوری از وطن و جدایی از محافل ادبی،تنها برای دل خود سرودند،و نتوانستند تأثیری در وضع شعر معاصر فارسی داشته‏ باشند؛و برخی دیگر چون محمد تقی ملک الشعراء بهار،تنها به صرف تفنن و شاید نوعی دنباله روی از شیوه‏های جدید،به‏ سرودن چند شعری در این قالب اکتفا کردند،که شعرشان از نظر زبان و بیان دنباله همان زبان و بیان شعرهای سنتی فارسی بود، و تنها تحول در این گونه شعرها،در همان صورت ظاهر و نوع‏ قافیه بندی و شکل شعر بود و بس.

در بین این شعرها،نخستین شعری که سروده شده است، شعری است به نام«وفای به عهد»از ابو القاسم لاهوتی-که آن‏ را در سال 1288 شمسی سروده است،یعنی هفده سال پیش‏ از نخستین دو بیتی‏های پیوسته نیما یوشیج.اصول قافیه بندی‏ این شعر هم با دو بیتی‏های فارسی و هم با چهار پاره‏ها متفاوت‏ است،و در آن در هر بند از شعر،مصراع‏های اول و چهارم با هم هم قافیه‏اند و مصراع‏های دوم و سوم با هم:

«اردوی ستم خسته و عاجز شد و برگشت‏ برگشت،نه با میل خود،از حمله احرار

ره باز شد و گندم و آذوقه به خروار هی وارد تبریز شد از هر دو و هر دشت

\*

از خوردن اسب و علف و برگ درختان‏ فارغ چو شد آن ملت با عزم و اراده

آزاده زنی بر سر یک قبر ستاده‏ با دیده‏ای از اشک پر و دامنی از نان»

وفای به عهد:ابو القاسم لاهوتی

و در شعر دیگری از جعفر خامنه‏ای به نام«به وطن»باز قافیه بندی‏های اول و سوم دو بیتی همان است که در این شعر ابو القاسم لاهوتی دیده می‏شود،ولی اصول قافیه بندی بند دوم‏ از گونه دیگری است:

هر روز به یک منظر خونین به در آیی‏ هر دم متجلی توبه یک جلوه جانسوز

از سوز غمت مرغ دلم هر شب و هر روز با نغمه نو تازه کند نوحه سرایی

\*

ای طلعت افسرده و ای صورت مجروح‏ آماج سیوف ستم،آه ای وطن زار

هر سو نگرم خیمه زده لشکر اندوه‏ محصور عدو مانده،تو چون نقطه پرگار

\*

محصور عدو،یا خود اگر راست بگویم‏ ای شیر،زبون کرده تو را رو به ترسو

شمشیر جفا آخته،روی تو ز هر سو تا چند به خوابی،بگشا چشم خود از هم»

به وطن:جعفر خامنه‏ای

به طوری که ملاحظه می‏شود،وضع قافیه بندی در بند دوم شعر با دو بند اول و سوم تفاوت دارد و در آن مصراع اول‏ با سوم و مصراع دوم با چهارم هم قافیه‏اند.(با این توضیح که‏ شاعر در آن واژگان مجروح را با اندوه قافیه گرفته است.که‏ گرچه از نظر شنوایی تلفظ هر دو یکی است-یعنی پایان هر دو واژه«ها»تلفظ می‏شود؛ولی از نظر علمای عروض درست‏ نیست؛چرا که در شعر فارسی بر عکس برخی از زبان‏های‏ دیگر اصول قافیه بر کتابت است،نه بر تلفظ؛درست بر عکس‏ عروض یا وزن شعر که اساس آن بر تلفظ واژگان است نه نحوه‏ نوشتن آنها).

بدین ترتیب تنها تفاوت این دو بیتی‏های پیوسته با دو بیتی‏های پیوسته ابو القاسم لاهوتی در وضع قافیه بندی پایان‏ مصراع‏هاست.و این نوع قافیه‏بندی را خامنه‏ای بعدا در دو بیتی‏ها دیگر خود از جمله«به قرن بیستم»و«زمستان»هم‏ رعایت می‏کند مثل:

«ای بیستمین عصر جفا پرور منحوس‏ ای آبده وحشت و تمثال فجایع

برتاب زما آن رخ آلوده به کابوس‏ ساعات سیاهت همه لبریز فضایع

\*

دیدار تو مدهشتر از انقاض مقابر شالوده‏ات از آتش و پیرایه‏ات از خون

هر آن تو با ماتم صد عائله مشحون‏ از جور تو بنیان سعادت شده بایر»

به قرن بیستم:جعفر خامنه‏ای

یا:

«جمال طبیعت به فصل بهار صفا بخش و زیبایست شوخ و قشنگ

به رونق چو دوشیزه گلعذار زداید ز دل‏های پژمرده زنگ

\*

شب و روز سر مست شور و نشاط گه از وجد رقصان و گه نغمه خوان

به عشرت بگسترده عالی بساط رسد فیض آن بر همه رایگان.»

زمستان:جعفر خامنه‏ای

در اینجا باید از شعرهای،شاعر دیگری یاد کرد،گرچه‏ آنها را از نظر شکل و اصول قافیه بندی؛جز دو بیتی‏های پیوسته‏ نمی‏توان به شمار آورد؛ولی دست کم اصول قافیه بندی بندهای‏ آغازین دو شعر«زارعین»و«مدار افتخار»وی همان اصول‏ قافیه بندی است که در شعر«وفای به عهد»ابو القاسم لاهوتی و شعر«به وطن»جعفر خامنه‏ای آمده است.این دو شعر از دیگر شاعر حلقه تبریز یعنی خانم شمس کسمایی است:

«تا تکیه گاه نوع بشر سیم و زر بود هرگز مکن توقع عهد برادری

تا این که حق به قوه ندارد برابری‏ غفلت برای ملت مشرق خطر بود.»

مدار افتخار:شمس کسمایی

«ما در این پنج روز نوبت خویش‏ چه بسا کشتزارها دیدیم

نیک بختانه خوشه‏ها چیدیم‏ که ز جان کاشتند مردم پیش»

زارعین:شمس کسمایی

و چنین است شعر«ای جوان ایرانی»خانم کسمایی که‏ گرچه از نظر قافیه بندی نه مثل دو بیتی‏ها پیوسته ابو القاسم‏ لاهوتی است و نه مثل شعرهای جعفر خامنه‏ای؛به گونه‏ای‏ باز شکل آن همان دو بیتی‏های پیوسته است با این تفاوت که‏ شعر از چهار بند تشکیل شده است؛که در آن اصول قافیه بندی‏ دو بند اول همان است که در نمونه‏های بالا از شعرهای لاهوتی‏ و خامنه‏ای دیدیم و در آنها مصراع اول با چهارم و مصراع دوم‏ با سوم هم قافیه‏اند.و بند سوم یک بیت مثنوی است ولی بند چهارم باز یک دو بیتی است،که قافیه بندی آن مثل شعرهای‏ گروه دوم جعفر خامنه‏ای است؛یعنی در آن مصراع‏های اول‏ و سوم با هم قافیه‏اند و مصراع‏های دوم و چهارم با هم اینک آن‏ را با هم می‏خوانیم:

«برخیز بامداد جوانی زنو دمید آفاق خهر را لب خورشید بوسه داد

برخیز صبح خنده نثارت خجسته باد برخیز روز ورزش و کوشش فرا رسید.

\*

برخیز و عزم جزم کن،ای پور نیکزاد بر یأس تن مده،مکن از زندگی امید

باید برای جنگ بقا،نقشه‏یی کشید باید،چو رفته رفت،به آینده رو نهاد

\*

یک فصل تازه می‏دمد از بهر نسل نو

یک نو بهار بارور،آبستن درو

\*

برخیز و حرز جان بکن این عهد نیک فال‏ برخیز و باز،راست کن آن قد تهمتن

برخیز و چون کمان که به زه کرد شست زال‏ پرتاب کن به جانب فردات جان و تن»

ای جوانی ایران:تقی رفعت

از سوی دیگر در بین دو بیتی‏های پیوسته ابو القاسم لاهوتی‏ دو قطعه شعر وجود دارد که باز از نظر قافیه بندی مصراع‏های‏ هر بند از شعر؛در خور توجه است.یکی شعر«شیپور توده» است که از شش بند تشکیل شده؛ولی وضع قافیه بندی بندهای‏ آن متغیر است.بدین گونه که در این شعر،اصول قافیه بندی‏ بندهای اول و سوم همان است که در شعر«وفای به عهد»دیدیم‏ و در آن مصراع‏های اول و چهارم-هم قافیه‏اند و مصراع‏های‏ دوم و سوم با هم.ولی در بند اول و سوم شعر،مثل دو بیتی‏های‏ پیوسته گروه دوم جعفر خامنه‏ای؛در هر بند،مصراع اول با سوم هم قافیه است و مصراع دوم با چهارم.به جز بند سوم‏ شعر؛که در آن مصراع‏های اول و سوم و چهارم با هم قافیه‏اند و تنها مصراع دوم آزاد و بدون قافیه است.

ولی دو بیتی پیوسته«آتش به جان»وی از نظر قافیه بندی با هر دو گروه فوق متفاوت است؛و در حقیقت اصول قافیه بندی‏ این دو بیتی پیوسته همان است که در دو بیتی‏های سنتی فارسی‏ (ترانه‏ها)رعایت می‏شود:یعنی در آن مصراع‏های اول و دوم‏ و چهارم-هم قافیه‏اند و مصراع سوم آزاد است و بدون قافیه. این شعر از شش بند تشکیل شده است،که در اینجا دو بند اول‏ آن را می‏آوریم:

«آخر ای مه،هلاک شد دل من‏ در غمت چاک چاک شد دل من

بی تو ای نو شکفته غنچه گل‏ خسته و دردناک شد دل من.

\*

گر به حالم نظر کنی،چه شود بر سرم یک گذر کنی،چه شود

رحمی،ای نو نهال گلشن جان‏ گر به این چشم تر کنی،چه شود»

آتش به جان:ابو القاسم لاهوتی

به طوری که ملاحظه می‏شود،به جز نمونه آخر یعنی شعر «آتش به جان»در شعرهای فوق الذکر اصول قافیه بندی‏ها را این شاعران از شعر غرب گرفته‏اند و نتیجه مطالعه آثار شاعران‏ غربی و نیز میل تجدد طلبی آنان به ویژه در عرصه شعر فارسی‏ است.

در همین جا باید از شاعر دیگری که پیش از نیما یوشیج به‏ سرودن شعر در قالب دو بیتی‏های پیوسته پرداخته نام برد:یعنی‏ شاعر قصیده سرای معروف ملک الشعراء بهار.در بین آثار ملک الشعراء بهار دو قطعه شعر در قالب دو بیتی‏های پیوسته‏ وجود دارد،که عبارتند از«سرود کبوتر»و«افکار پریشان»؛ که اصول قافیه بندی آن‏ها؛همان است که در شعرهای گروه‏ دوم جعفر خامنه‏ای دیدیم،یعنی در هر بند از شعر در مصراع‏های اول با سوم هم قافیه‏اند و مصراع‏های دوم با چهارم‏ و در اینجا دو بند از هر کدام را با هم می‏خوانیم:

«از بر این کره پست حقیر

\*

آنچه امروزه به قالب چهار پاره‏ شهرت دارد؛پیش از نیما یوشیج‏ سابقه نداشته است و از ابداعات‏ مشخص نیما یوشیج است و با انتشار این چهار پاره‏های‏ نیما یوشیج است که شاعران‏ جوان به پیروی از نیما به‏ سرودن شعر در آن قالب‏ پرداختند و به تدریج قالب‏ چهار پاره به عنوان قالبی نو در بین شاعران معاصر و پیروان‏ نیما یوشیج رواج یافت. زیر این گنبد مینای بلند

نیست خرسند کس از خرد و کبیر من چرا بیهده باشم خرسند

\*

شده‏ام در همه اشیا باریک‏ رفته تا سر حد اسرار وجود

چیست هستی،افقی بس تاریک‏ وندر آن،نقطه شکی مشهود»

افکار پریشان:ملک الشعراء بهار یا:

«بیایید ای کبوترهای دلخواه‏ بدان کافورگون پاها چوشنگرف

بپرید از فراز بام و ناگاه‏ به گرد من فرود آیید چون برف

\*

سحرگاهان که این مرغ طلایی‏ فشاند پر ز روی برج خاور

به بینمتان به قصد خودنمایی‏ کشیده سر ز پشت شیشه در»

سرود کبوتر:ملک الشعراء بهار

بدین ترتیب به طوری که ملاحظه می‏شود؛در این‏ دو بیتی‏های پیوسته،بجز یک مورد،اصول قافیه بندی کاملا جدید و فاقد پیشینه در شعر فارسی است.

از سوی دیگر از سه نوع قافیه بندی که در دو بیتی‏های پیوسته‏ مذکور مشاهده می‏شود،تنها یک مورد آن را،بعدها در دو بیتی‏های پیوسته نیما یوشیج می‏بینیم،و آن عبارت است از نمونه دوم؛یا شکلی که در دو بیتی‏های پیوسته جعفر خامنه‏ای‏ و ملک الشعراء بهار دیده می‏شود که در آن در هر بند شعر، مصراع‏های اول و سوم باهم قافیه‏اند و مصراع‏های دوم و چهارم با هم،که یک نوع قافیه بندی چلیپایی یا در هم تنیده‏ است.بدین جهت اطلاق نام«دو بیتی‏های پیوسته»بر این قالب‏ از شعر که علاوه بر پیوستگی مفهومی بندهای مختلف شعر؛ بر پیوستگی فرمی شعر-از نظر قافیه بندی در هم-در داخل هر بند شعر نیز اشراف دارد؛نامی درست و شایسته است.

بدین دلیل نیز باید بین این دو بیتی‏های پیوسته و آنچه که‏ بعدها در بین شعرهای نیما یوشیج به عنوان«چهار پاره»معروف‏ شده است به تفاوت و تمایز،قائل شد.چرا که در بین شعرهایی‏ که نیما یوشیج در قالب‏های نئو کلاسیک سروده است در حقیقت دو نوع قافیه بندی متفاوت وجود دارد؛که اولی همین‏ دو بیتی‏های پیوسته است،که اساس قافیه بندی در هر بند آنها، همانطور که گفته شد به ترتیب a-b-a-b است یعنی شعری‏ است در چند بند،که در هر بند آن مصراع‏های اول با سوم هم‏ قافیه‏اند و مصراع‏های دوم با چهارم.مثل:

«بدین‏سان بر سر ایوانش ارباب‏ چو گرگان در کمین سود باشد

خورد،غلتد،کند بسیارها خواب‏ دلش پر کین،کفش بی جود باشد

\*

شما را بنگرد از راه بالا چو کوشیدید و حاصل گشت بسته

ای ابله،کشتکار ناتوانا فرود آید،هم این گرگ نشسته.

گرگ:ص 532 کلیات اشعار

یا:

«ای فراکش،دو سال می‏گذرد که من از روی دلکشت دورم

نیست با من،دلم ز من بپرد که چه سوی تو باز مهجورم

\*

من در این خانه‏های شهر،اسیر همچو پرنده در میان قفس

گوئیا دزدم،از بسی تقصیر شده‏ام درخور چنین محبس»

به یاد وطنم،ص 525 کلیات اشعار

که از این گونه دو بیتی‏های پیوسته،در بین آثار نیما یوشیج‏ تنها پنج قطعه موجود است که عبارتند از:قو(1305)- گرگ(1305)-به یاد وطنم(1305)-مرغ مجسمه(1318) و پدرم(1318).

ولی به خاطر محدودیتی که نوع قافیه‏بندی در این شعرها پدید می‏آورد،نیما یوشیج به زودی این دو بیتی پیوسته را کنار می‏گذارد و به قالب جدیدی روی می‏آورد،که از نظر قافیه بندی‏ به مراتب آزادتر از این دو بیتی‏های پیوسته است،و این قالب‏ چیزی جز قالب«چهار پاره»نیست؛قالب جدیدی که به‏ زودی با استقبال شاعران جوان پیرو نیما قرار می‏گیرد و شاخه‏ای‏ از شعر به نام«چهار پاره سرایی»را در شعر فارسی پدید می‏آورد.